

مناظرهء کاکه تیغون و کربلایی

بخش دوم

سال دوم

امروز چارشنبه 7 نوامبر 2007، هوا سرد و بارانیست و دو دوست در خانهء کاکه تیغون نشسته و بعد از صرف غذا به گفتگو می پردازند.

کاکه تیغون: کربلایی جان واده داده بودی که دگه روز راجع به سفر فعالین صلح صحبت میکنی و مره ده جریان قرار میتی؟

کربلایی: بلی کاکه جان باز هم به گفته " اَلْکَرِیْمُ اِذَا وَعَدَ وَفَا " چیزیکه خبردارم وازیک دوستم، که نزدیک خانه ما یک دوکان زود فروشی خورترک داره و تصادفی بیادر آغای خداد داد بشرمل اس و تخلصش شام (نژدی) اس، پُرسان کدم او گفت: کدام کسی از همی حزب فعالین صلح ده اوغانستان رفته وپیشنهاد کده بود که رئیس ما وچند نفر دگه از حزب ما میخاین به وطن بیاین وده موارد مختلفه سیاسی - اقتصادی، اداری و غیره کتی شما گپ بزنان، اما نمیفامن که شما ماره قبول میکنین یانی، ده کابل بری هر پنج نفرشان تکت دوطرفه طیاره داده شد بود وگفته بودن که ما بسیا خوش میشیم که بیاین وکتی ما گپ بزنین. خلاصه که همی پنج نفر که رئیس شان آغای خداد داد بشرمل و آزای (اعضاء) شان، داکتر ضمیر معاون حزب فعالین صلح و رئیس سابق اداره اول امنیت دولتی، داکتر شیر بهادر سابق وزیر صحت عامه در حکومت داکتر نجیب الله و رئیس اداره سوّم امنیت دولتی، ظاهر ملک بابا از فعالین صلح ده هالند وخلیل زمر معاون دیگر حزب فعالین صلح بودن به کابل رفته وده هتل 5 ستاره (سابق هتل کابل) بری شان جای دادن وقرار گفته آغای نژدی رئیس شان ده قصر ریاست جمهوری تماس گرفته بود، که میخاین با آغای کرزی ملاقات کنن، تصادفی، سبای (صبح) همو روز، کرزی از لندن آمد و از رئیس دفتر خود پرسید، که کسی برای ملاقات بامه در خواستی داده یانی؟ رئیس دفتر یک لست کلانه نشان داد، کرزی گفت: دگه کل شه فسخ کو مه اول کتی همی فعالین صلح گپ میزنم.

رئیس دفتر فورن بری ازیا (اینها یعنی هیأت فعالین صلح) ایلام کد (اعلام کرد) که شما سبا بیاین وکرزی صایب کتی شما گپ میزنه.

سبا روز هیأت فعالین صلح به قصر ریاست جمهوری رفته و آقای کرزی ازوا (آنها) به خوبی استقبال کد، و صحبت های گرم داشتن، نان چاشتام همونجه خوردن وضمنن گفتن که ما حاضر هستیم که ده اوغانستان بیایم و دگه آزای (اعضاء) خودام که ده رشته های مختلف تخصص دارن بیاریم که اوغانستانه بازسازی کنیم، حتا رئیس فعالین، داکتر ضمیره ده کدام پُست مهم امنیتی پیشنهاد کد، آغای کرزی هم رضایت خوده نشان داد.

کاکه تیغون: کربلایی جان آگه او مسوؤل امنیت شوه، کل اشراره جم خات کد که ده شورا وارگانای بالایی دولت کسی نخات ماند، نفرای خوده عوض شان پیشنهاد خات کد، همطو نیس کربلایی جان؟ او ده ای کار تجربه و تخصصام داره.

کربلایی با خنده قهقهه جواب میدهد:

کربلایی: نی کاکه جان او طو نیس وای (آنها) که سابق اشرار بودن حال نیستن، حال بل کل (بالکل) همی لغت اشراره استعمال نمی کنن، برعکس شده، حال یا (اینها) آدمای شریف، نجیب ووطن پرست شدن، اما مه ایران (حیران) استم که چرا گفته مردم یک شبه، ای آزای

فعالین صلح که سابق ای رقم حکومتاره ارتجاعی میگفتن، حال میخاین ده دامن اونا (آنها) خوده انداخته و خوده منحل بسازن.

حال خو اوغانستان نه تنها حکومت ارتجاعی داره، بلکه اصلن استقلال سیاسیم نداره و از هفت اکتوبر سال 2001 به ای طرف مستعمره هم شده، نمیفامم که ای بیادرا اخباره می شنون، تلویزیونه می بینن یانی؟

حالی کدام دام وچل و فریب نباشه، که یکدغه جم شان کنه اونه باز انتقام گیری کنه.
کاکه تیغون: همی گپ ده دل مام میگرده، اگه منافع شان ده ده خطر بیفته اینا عین آدمهای خوده میکشن، مثل کاظمی، آزای شورا و مردم بیگناه ره، سر ازیا چه باور اس.
کربلایی: کاکه جان، اوطورام نیس، اگه ای فعالین بیاین، پیش از پیش امنیت اینه مه تو جایاره میگیرن، والی، قوماندان امنیه و دگه مامورینه پیش از پیش میگن که ده منطقه حاضر باشن.

کاکه تیغون: ده همی واقعه روز سه شنبه 6 نوامبر، حتمن همی والی، قوماندان امنیه و دگه حکومتی ها دست داشتن، چراکه یک پولیس، یک مامور محلی دولت ده اونجه کشته نشد، حتا ده جان یک نفر عضو شورا جای پنج مرمی ره یافتن که آدمهای گماشته شده ده همو وخت، سرشان فیر کدن و از طرف دگه بسیا مردم بیگناه و متعلمین مکتب کشته شدن.

کربلایی: کاکه جان، رئیس صایب دولت، بسیا متأثر شده اس و موضوع ره بسیا جدی گرفته و چند گروهی بری تافقیقات (تحقیقات) روان کده و واده کد باد از روشن شدن موضوع، اصل گپه بری مردم بگویه، که کی مسوؤل بود وکی ده اینجه دخالت داشته، چرا که طالبها گفته آن، که ده ای فاجعه دست نداشتن، کارکار خود حکومتیا خات بود، او ندیدن و موزه ره کشیدن درس نیس، صبر کو که تافقیقات شان هم ده ای مورد وهم ده مورد غوث زلمی خلاص شوه و نتیجه ره اعلان کنن، باز او وخت قضاوت کو!

کاکه تیغون: حال خو فاجعه صورت گرفت، مردم کشته شدن، تافقیقاتم که کنن، اونا زنده نمی شن، بمی خاطر مه بری همی آزای فعالین صلح هم نظر میتم، که ده همی رقم اوضاع از همی پیوستن خود به دولت کرزی منصرف شون.

کربلایی: ای نظر تره مام تائید میکنم، یکدغه کتی رفیقای خود، که میگن دو صد هزار نفر بودن سویت (صحبت) کنن یانی اول بین خود جور بیاین باز یکجایی متحد شده، برن ده وطن و دین خوده اداء کنن.

اگه راس بگویم مه آزاد شدن اوغانستانه امدفه (این بار) بسیا دور میبینم، چراکه انگریز یکدغه دیده بود، حال زوت ایلا نمیکنه، تا که خون ماره بل کل چش نکنه واز آل (حال) نکشی ما ایلا داده نی نیس، خون یانی، تا تمام ثروتای زیر زمینی، آثار باستانی ماره نبره ایلا می نمیده، تنها و تنها یک راه اس، که او هم متأسفانه بخاطر خود خایای ما (خود خواهی های ما) صورت نخات گرفت، که او عبارت از اتحاد و اتفاق تمام کسای که دلشان بری وطن می سوزه میباشه و بس، مه همیالی (همین حالا) از تلویزیونای افغانی میشنوم، که یگان تا اتحاد و اتفاق میگن، مگم خودشان اتحاد شکن و اتفاق شکن هستن، ای رقم همیشه.

کاکه تیغون: کربلایی جان، تو ایطو گپای میزنی که بل کل دل ماره از زنده گی سیا میکنی، کلانا میگفتن:

مشکلی نیست که آسان نشود مرد باید که هراسان نشود

اینالی حتمن یک راه و چاره اس.

کربلایی: آفرین اینه یگان شیرام (شعر هم) یاد داری، راه البته اس، اما وخت میخایه و حوصله، اول ایکه همی اوغانای ما بسیا سر تنبگی نکنن، هموطو که آلمانا میگن، بهترین انتقام عفو اس، و ما میگیم، لذتی که ده عفو اس ده انتقام نیس، باید همی انتقام گرفتن ره قطع

وبس کنن، واول خود ما او غانا یک مشت شویم یانی ازی وضع تیت وپره کی خوده جم بسازیم و سر عقل بیاییم، خلاصه که باید متحد و متفق شویم.

دوم ایکه اگه خدا بخایه (بخواهد) که ده همی کشورای جنگ طلب وزور گو، همی رژیمهای تروریست پرور و تروریست ساز، تغییر کنن، ای گپ تا حدودی ممکن اس، چرا که مردمای شان هم از کشته دادن های زیات ده عراق وده اوغانستان و دیگه جایا بالکل به تنگ آمدن و آدمای دانشمند فراوان هم دارن، که ده رأس رژیمها قرار بگیرن و یکدم گفته مردم چیه گرمک شده و عساکر خوده از عراق و اوغانستان بکشن، چون قسمی که پیشتر گفتم اتحاد و اتفاق ما سبب آزادی و پیشرفت وطن میشه، طالبام خلاص میشه و القاعده، بخاطری که منابع کمک دهی شان که همو رژیمهای تروریست پرور بود، از بین میره و اونا دست خالی کاری کده نمیتانن و اونو وخت اس که او غانا کل شان دوباره بوطن میرن و زنده گی خوش و آرام داشته و وطن خوده بازسازی میکنن، بکمک کشورای دوست و رژیمهای واقعن انسانی، هزار ها بند برق، فابریکات و شهرها ساخته و دنیا گل و گلزار میشه، فامیدی کاکه جان!

کاکه تیغون: اینطو گپا بزن کربلایی جان، که خوش شویم و دل نپریم، یانی ده ای چرت باشیم که بخیر وطن ما یک روز نی یک روز آزاد میشه، آباد میشه و ما و شما بخیر میریم و ازی مصیبت بی وطنی خلاص میشیم، اینالی کربلایی جان یک فکایام بگو باز میریم بخیر طرف جماعت خانه.

کربلایی: کاکه جان یک فکاهی قدیمی ره بریت میگم تو حتمن نشنیدی؛

ده دیوانه خانه یانی دارل مجاتین (دارلمجاتین)، پالوی شفاخانه علی آباد یک دیوانه ایستاد بود و شور نمیخورد، یک دیوانه دگه آمد پرسان کد تو کیستی؟ گفت مه منزل اول خانه استم، باز پرسان کد منزل دو نداری؟ گفت نی، دیوانه دومی سرشانایش بالا شد گفت: اینه مه منزل دوم استم، همی رقم دیوانه سومی آمد و پرسان کد، شما چیستین؟ دیوانه دومی گفت، ای (همراه دست خود اولی را نشان داد): منزل اول مه منزل دوم، سومی سرشانای دومی بالا شد گفت مه منزل اول استم او دوتا منزل دوم و سوم، رئیس دیوانه خانه آمد گفت ای چه میکنین؟ اولی گفت مه منزل اول استم او دوتا منزل دوم و سوم، رئیس دیوانه خانه همی دیوانه اولی ره خوب چپلاق کاری کد، سومی، دومی ره گفت، ببی که کدام کسی دروازه کوچه ره تک تک می زنه.

هر دو میخندند و سوی جماعت خانه روان میشوند.

در بخش اول سال دوم پاراگراف 11 سوره چارم قرآن شریف (مانده) به معنای (خوراک آسمانی) خوانده شود، که این سوره در مدینه فرود آمده و 120 آیه دارد.

بخشهای دیگر انشاالله در هفته های آینده.